

بازایی زیره پارسی (*Bunium persicum* (Boiss.) B. Fedtsch.) با استفاده از

ریزنمونه محور جنینی

محمود ولیزاده^۱، عباس صفرنژاد^{۲*}، قربانعلی نعمت زاده^۱ و سید کمال کاظمی تبار^۱

(تاریخ دریافت: ۸۵/۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۱/۲۴)

چکیده

زیره پارسی که به آن زیره سیاه یا زیره کوهی نیز گفته می‌شود، یکی از مهم‌ترین گیاهان دارویی بوده و ارزش اقتصادی بالایی دارد. به طور کلی اطلاعات محدودی در ارتباط با کشت این ویترو این گیاه وجود دارد. در این پژوهش برای اولین بار از ریزنمونه محور جنینی برای بازایی زیره پارسی استفاده شد. محیط کشت B5 (گامبورگ) حاوی غلظت‌های مختلف هورمون‌های NAA (نفتالن استیک اسید)، 2,4-D (دو-دی کلرو فنوکسی استیک اسید) به تنها یا همراه با Kin (کیتین) مورد استفاده قرار گرفت. آزمایش در قالب طرح کاملاً تصادفی با ۳۰ تیمار مختلف و ۱۰ تکرار در هر تیمار انجام شد. بیشترین تعداد ریزنمونه تولید کننده کالوس مربوط به تیمار با ترکیب هورمونی ۰/۱ میلی گرم در لیتر 2,4-D و ۲ میلی گرم در لیتر Kin یا ۱ میلی گرم در لیتر NAA و ۲ میلی گرم در لیتر Kin بود. در تعدادی از تیمارهای فاقد کیتین نیز بازایی صورت گرفت که نشان داد، برای بازایی زیره پارسی وجود هورمون سیتوکینین الزامی نیست. بهترین تیمار از لحاظ میانگین تعداد ساقه بازایی شده، تیمار با ترکیب هورمونی ۰/۱ میلی گرم در لیتر NAA و ۴ میلی گرم در لیتر Kin بود. بیشترین فراوانی القای جنین سوماتیکی مربوط به تیمار با ترکیب هورمونی ۲ میلی گرم در لیتر 2,4-D بود. در این روش بدليل جوان بودن ریزنمونه و عکس العمل مناسب به محیط کشت، کالوس دهی و بازایی فقط در یک نوع محیط کشت و بدون نیاز به هیچ گونه واکنشی صورت گرفت که منجر به کوتاه شدن زمان کشت بافت و کم شدن آводگی و نیاز به مواد مصرفی شد.

واژه‌های کلیدی: بازایی، زیره پارسی (زیره کوهی یا زیره سیاه)، *Bunium persicum* (Boiss.) B. Fedtsch.، کشت بافت، محور جنینی

مقدمه

زیره پارسی که به آن زیره سیاه یا زیره کوهی نیز گفته می‌شود، یکی از گیاهان خانواده چتریان (Umbelliferae) و بومی منطقه محدودی از غرب آسیاست. در ایران در نواحی شمالی استان خراسان، کرمان، شرق زاگرس تا بندر عباس و جنوب البرز به طور خودرو وجود دارد. این گیاه از گیاهان دارویی مهم بوده و به طور گسترده در صنایع دارویی و آرایشی به کار رفته و دارای ارزش ادویه‌ای نیز می‌باشد. خفتگی موجود در بذر زیره

۱. به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد، دانشیار و استادیار وزارت و اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه مازندران، ساری

۲. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی

*: مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: sebre14@yahoo.com

حاصل از هیپوکوتیل زیره پارسی در محیط B5 حاوی ۲ میلی‌گرم در لیتر NAA و ۲ میلی‌گرم در لیتر Kin رشد سریعتری داشت. تشکیل جوانه و ساقه در هیپوکوتیل، در ۰/۱ میلی‌گرم در لیتر NAA و ۲ میلی‌گرم در لیتر Kin و تشکیل جنین‌های سوماتیکی در محیط MS حاوی ۰/۵ میلی‌گرم در لیتر D-2,4- بیشتر بود. زیارت نیا (۳) برای ایجاد کالوس‌های NAA جنین زا از غلظت‌های مختلف هورمون‌های 2,4-D و به طور جداگانه در ترکیب با Kin استفاده کرد. در تحقیق وی بهترین کالوس مربوط به تیمارهای با غلظت بالای اکسین و سیتوکینین بود. در این تحقیق برای رشد جنین‌های غیر جنسی ایجاد شده از محیط کشت پایه MS در غلظت‌های مختلف کینتین استفاده شد که بهترین عکس العمل مشاهده شده مربوط به تیمار ۱ میلی‌گرم در لیتر کینتین بود. ابراهیمی و همکاران (۶) از محور جنینی (جنین برش یافته) در کشت بافت زیره سبز استفاده کردند و در زمان کوتاه و بدون هیچ‌گونه واکنشی، به باززایی مناسبی دست یافتند. بهترین محیط کشت، B5 با ترکیب هورمونی ۰/۲ میلی‌گرم در لیتر IAA (ایندول استیک اسید) و ۱ میلی‌گرم در لیتر BAP (بنزیل آمینوپورین) یا ترکیب هورمونی ۰/۲ میلی‌گرم در لیتر NAA و ۰/۲ میلی‌گرم در لیتر BAP بود.

همان‌طور که ذکر شد در روش‌های قبلی در ارتباط با باززایی زیره پارسی، معمولاً از ریزنمونه هیپوکوتیل و کوتیلیدون استفاده شده است که به دلیل مسن بودن بافت نسبت به جنین، عکس العمل خوبی نسبت به محیط کشت نشان نداده و باعث طولانی شدن مدت کشت بافت، آسودگی بالا و نیاز به محیط‌های مختلف کالوس دهی و باززایی و مصرف بالای مواد شده که از لحاظ اقتصادی مقرنون به صرفه نمی‌باشد. هدف از این آزمایش استفاده از محور جنینی در کشت بافت زیره پارسی و ارائه محیط کشت مناسب جهت القای کالوس و باززایی می‌باشد.

مواد و روش‌ها

بذرهای زیره پارسی جمع آوری شده از منطقه کلات واقع در

سیاه یکی از موانع گسترش کشت این محصول است. این خفتگی از نوع خفتگی رویان بوده و تنها استفاده از تیمار سرماهی می‌تواند باعث جوانه زنی شود و سایر تیمارها مانند اسید جیبریلیک، سیتوکینین، اتفون، نیترات پتاسیم، آبشویی و تیمارهای نوری نمی‌تواند باعث جوانه زنی بذرهای این گیاه گردد (۲). عدم رشد دانه‌های این گیاه بعد از رسیدن به مرحله ظهور لپه و هم‌چنین بیماری‌های بلایت و پوسیدگی ریشه که عامل آن فوزاریوم (*Fusarium solani*) می‌باشد، باعث ایجاد محدودیت در کشت این گیاه شده است.

اصلاح گیاهان این خانواده از طریق روش‌های کلاسیک عموماً کند، پر زحمت و زمان بر بوده و تنوع ژنتیکی لازم برای اصلاح برخی ویژگی‌ها محدود می‌باشد (۸).

مدیریت بیوتکنولوژی گیاه در سطوح مولکولی و سلولی روش کارآمد جدیدی برای اصلاح فراورده‌های تانویه زیره در صنعت داروسازی و غله بر مشکلات بیماری‌ها بوده و یک سیستم کارآمد ریزازدیادی با فراوانی بالای باززایی جهت استفاده در دست ورزی‌های ژنتیکی مورد نیاز است. اساسی‌ترین هدف کشت بافت کوتاه کردن طول دوره اصلاحی و تولید تعداد زیادی از گیاهان عاری از بیماری بوده که کالوس دهی و باززایی هم‌زمان به این مسئله کمک می‌کند. به طور کلی اطلاعات محدودی در ارتباط با کشت این ویترو زیره پارسی وجود دارد.

واخلو (۱۱) از کشت مریکارپ‌های زیره پارسی در محیط کشت MS حاوی ۲ میلی‌گرم در لیتر D-2,4- و ۴ میلی‌گرم در لیتر Kin ، کالوس به دست آورد و پس از انتقال کالوس‌ها به محیط کشت حاوی ۱ میلی‌گرم در لیتر D-2,4- توده‌های سلولی فشرده کوچک و سفید رنگی ایجاد گردید. این توده‌های سلولی پس از انتقال به محیط کشت مشابه به جنین‌های کروی متعددی متمايز شدند و سپس به محیط کشت پایه و یا حاوی ۱ میلی‌گرم در لیتر کینتین منتقل شده و جنین‌های بالغ و ریشه دار ایجاد گردیدند. شریفی (۴) از ریزنمونه هیپوکوتیل و برگ لپه‌ای در کشت بافت زیره پارسی استفاده کرد. کالوس

دانکن با سطح احتمال ۵ درصد انجام شد.

نتایج

اولین کالوس‌ها یک هفته پس از انتقال ریزنمونه‌ها به محیط کشت مشاهده شدند و ۲۰ روز بعد بازیابی رخ داد (شکل‌های ۱-۱ و ۲-۱). به طور کلی مقدار کالوس در تیمارهای با ترکیب هورمونی اکسین و سیتوکینین نسبت به تیمارهای فاقد سیتوکینین بیشتر بود. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد ریزنمونه تولید کننده کالوس مربوط به تیمار با ترکیب هورمونی $1/0$ میلی‌گرم در لیتر NAA ۲,۴-D و ۲ میلی‌گرم در لیتر Kin یا 1 میلی‌گرم در لیتر NAA و ۲ یا 4 میلی‌گرم در لیتر Kin بود. بیشترین مقدار بازیابی، هم از نظر تعداد گیاهچه بازیابی شده در هر ریزنمونه و هم از لحاظ میانگین تعداد ساقه بازیابی شده مربوط به تیمار با ترکیب هورمونی $1/0$ میلی‌گرم در لیتر NAA و 4 میلی‌گرم در لیتر Kin بود. در این تیمار در یکی از تکرارها تا 20 گیاهچه شمارش شد. بهترین تیمار برای القای کالوس و بازیابی و ریشه زایی به‌طور توانم، ترکیب هورمونی $0/1$ میلی‌گرم در لیتر NAA و 4 میلی‌گرم در لیتر Kin بود. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ریشه زایی غالب در تیمارهای دارای دارای هورمون NAA رخ داده است و در تیمارهای دارای هورمون $2,4-D$ ریشه زایی یا رخ نداده و یا میزان آن بسیار ناچیز است. هم‌چنین با افزایش غاظت هورمون NAA در غالب موارد ریشه زایی افزایش یافته است. بیشترین مقدار ریشه زایی نیز در تیمار با ترکیب هورمونی 1 میلی‌گرم در لیتر NAA و یا 1 میلی‌گرم در لیتر NAA و 2 میلی‌گرم در لیتر Kin مشاهده شد (جدول ۱). هم‌چنین بیشترین جنین سوماتیکی در تیمار با ترکیب هورمونی 2 میلی‌گرم در لیتر $2,4-D$ مشاهده شد (جدول ۱). جنین‌های سوماتیکی پس از انتقال به محیط کشت فاقد هورمون، رشد یافته و تولید ساقه نمودند (شکل ۳-۱). نتایج نشان داد که تأثیر تیمارها بر روی میزان القای کالوس و بازیابی معنی دار بود (جدول ۲). در

استان خراسان رضوی، روی کاغذ صافی استریل مربوط در داخل پتری دیش قرار گرفتند و به مدت 20 روز در دمای 4 درجه سانتی‌گراد و در تاریکی نگهداری شدند. این دوره سرماده‌ی جهت رشد جنین و امکان پذیر شدن خروج آن از داخل بذر، ضروری است. پس از این مدت بذرها توسط محلول هیپوکلریت سدیم $1/5\%$ به مدت 15 دقیقه ضد عفونی سطحی شده و سه بار در آب مقطر استریل شستشو داده شدند. سپس نوک بذر با اسکالپل شماره 10 استریل برش داده شده و با فشار روی وسط بذر، جنین به راحتی خارج گردید. در این آزمایش، با توجه به مطالعات قبلی (4 و 6) و پاسخ بهتر ریزنمونه هیپوکوتیل نسبت به سایر ریزنمونه‌ها، فقط قسمت هیپوکوتیل جنین برش داده شد و مورد استفاده قرار گرفت. ریزنمونه‌ها روی محیط کشت $B5$ حاوی 20 گرم در لیتر ساکارز، 8 گرم در لیتر آگار و هم‌چنین هورمون‌های تنظیم کننده رشد با غاظت‌های مختلف شامل NAA ($0/1$ ، $0/2$ و $0/4$ -D) و $2,4-D$ ($0/1$ ، $1/0$ ، $1/2$ و 4 میلی‌گرم در لیتر) به تنهایی یا همراه با Kin ($0/5$ ، $1/0$ ، $1/2$ و 4 میلی‌گرم در لیتر) کشت شدند. سپس کشت‌ها در اتاقک رشد با دمای 25 ± 2 درجه سانتی‌گراد و شدت روشناهی 2500 لوکس و به مدت 16 ساعت در روز نگهداری شدند. در این تحقیق هیچ‌گونه واکنشی صورت نگرفت. در واقع القای کالوس و بازیابی و تولید ریشه در یک نوع محیط کشت صورت گرفت. 8 هفته پس از انتقال، تعداد ریزنمونه‌های تولید کننده کالوس و بازیابی و تعداد ریشه‌ها و ساقه‌های بازیابی شده در هر ریزنمونه در محیط کشت‌های مختلف ثبت شد. سپس فراوانی القای کالوس و بازیابی، از تقسیم تعداد کالوس‌ها و بازیابی به تعداد کل ریزنمونه‌ها به دست آمد و میانگین تعداد ریشه و ساقه بازیابی شده نیز در تکرارهای مربوط به هر تیمار محاسبه شد.

آزمایش در قالب طرح کاملاً "تصادفی با 30 تیمار مختلف و 10 تکرار در هر تیمار انجام گرفت. تجزیه آماری طرح و رسم نمودارها به ترتیب با استفاده از نرم افزار SAS و Excel صورت گرفت. مقایسه میانگین‌ها با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای



شکل ۱. القای کالوس، جنین سوماتیکی، ریشه و اندام زایی در ریزنمونه محور جنینی. ۱- گیاهچه باززایی شده از ریزنمونه محور جنینی پس از ۲۵ روز، ۲- کالوس حاصل از ریزنمونه محور جنینی پس از دو هفته، ۳- رشد جنین های سوماتیکی پس از انتقال به محیط فاقد هورمون، ۴- القای هم زمان کالوس، باززایی و ریشه (فلش)

جدول ۱. اثر تیمارهای هورمونی بر فراوانی القاء کالوس، ساقه، ریشه، جنین سوماتیکی و میانگین تعداد ساقه و ریشه

| تیمار هورمونی (میلی گرم در لیتر) | فرآوانی القاء ریشه | فرآوانی القاء ساقه | فرآوانی باززایی ریشه | میانگین تعداد ساقه | فرآوانی القاء کالوس | فرآوانی جنین سوماتیکی |
|-------------------------------------|-----------------------|-----------------------|-------------------------|-----------------------|------------------------|--------------------------|
| ۰/۱ NAA | ۰/۰ A ^d | ۰/۰ b | ۰/۰/۱۷ ^d | ۰/۰ b | ۰/۰/۵۸ ^{a-e} | ۰/۱۷ ^{bc} |
| ۰/۱ NAA+۰/۵ Kin | ۰/۰/۴۲ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۹۲ ^{a-d} | ۰/۰/۷۵ ^{a-d} | ۰/۰/۵ ^{b-e} | ۰/۵ ^{ab} |
| ۰/۱ NAA+۱ Kin | ۰/۰/۲ ^{dc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۴ ^b | ۰/۰/۴۵ ^{b-e} | ۰/۰/۳ ^c | ۰/۳ ^{abc} |
| ۰/۱ NAA+۲ Kin | ۰/۰/۱۸ ^{dc} | ۰/۰ b | ۰/۰/۷۳ ^{dc} | ۰/۰ b | ۰/۰/۷ ^{a-e} | ۰/۱ ^c |
| ۰/۱ NAA+۴ Kin | ۰/۰/۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۵ ^{a-d} | ۰/۰/۷ ^{a-e} | ۰/۰/۷ ^c | ۰ ^c |
| ۱ NAA | ۰/۰/۲۵ ^{bdc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۲۵ ^{a-b} | ۰/۰/۷۵ ^{a-d} | ۰/۰/۷ ^{bc} | ۰/۲۵ ^{abc} |
| ۱ NAA+۰/۵ Kin | ۰/۰/۴۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{a-b} | ۰/۰/۳۶ ^{a-e} | ۰/۰/۱ ^c | ۰/۱ ^c |
| ۱ NAA+۱ Kin | ۰/۰/۴۴ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۲۲ ^{a-b} | ۰/۰/۷۸ ^{a-d} | ۰/۰/۷ ^{a-e} | ۰/۷ ^{bc} |
| ۱ NAA+۲ Kin | ۰/۰/۵ ^{ab} | ۰/۰ b | ۰/۰/۱۸ ^{ab} | ۰/۰/۳۶ ^b | ۰ ^c | ۰ ^c |
| ۱ NAA+۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{ab} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۶۷ ^{a-d} | ۰/۰/۷ ^{a-e} | ۰/۷ ^{a-d} |
| ۱ NAA+۵ Kin | ۰/۰/۶ ^a | ۰/۰ b | ۰/۰/۷ ^a | ۰/۰ a | ۰/۰/۷ ^{bc} | ۰/۷ ^{bc} |
| ۱ NAA+۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{ab} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۳۶ ^b | ۰/۰/۱ ^a | ۰ ^c |
| ۱ NAA+۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۶۴ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷۳ ^{ab} | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷۳ ^{ab} | ۰/۰/۴۴ ^{cde} | ۰/۴۴ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰ ^c |
| ۱ NAA+۱۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۱۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۲۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۳۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۴۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۵۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۷ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۸ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۶۹ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۰ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۱ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۲ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۳ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۴ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۵ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| ۱ NAA+۷۶ Kin | ۰/۰/۰۵ ^{abc} | ۰/۰ ab | ۰/۰/۰۹ ^{ab} | ۰/۰/۷ ^b | ۰/۰/۹ ^{abc} | ۰/۹ ^{abc} |
| | | | | | | |

جدول ۲. نتایج تجزیه واریانس مشاهدات مربوط به فراوانی القای کالوس، ساقه، ریشه، جنین سوماتیکی و میانگین تعداد ساقه و ریشه

| میانگین مربعات | | | | | | | | منابع تغییر |
|----------------|--------|----------------------------|--------------|--------------------|-------------------|--------------------|-------------------|--------------|
| آزادی | درجات | فراآنی القای جنین سوماتیکی | میانگین ساقه | فراآنی القای کالوس | فراآنی القای ریشه | میانگین تعداد ساقه | فراآنی القای ساقه | |
| ٢٩ | ٦/٤٢** | ٥/٢٥* | ٢٢/٦٣** | ٥/٤٢** | ٥/٤٨** | ٥/١٩* | ٥/١٩* | تیمار |
| ٢٨٧ | ٥/١٢ | ٢/٨٠ | ٨/٥٤ | ٥/١٩ | ٥/١١ | ٥/١٠ | ٥/١٩* | خطای آزمایشی |

احتمالاً" به میزان کمی سیتوکینین یا سایر مکمل‌های تنظیم کننده رشد برای جوانه زنی و رشد گیاه نیاز دارند (۹). این روش نسبت به روش‌های قبلی که تا کنون گزارش شده دارای مزیت‌هایی از جمله افزایش تعداد گیاهان باززایی شده، کالوس دهی و باززایی هم‌زمان و کوتاه شدن طول دوره کشت بافت، آلودگی پایین و عدم نیاز به واکنش‌های مکرر و کاهش مواد مصرفی می‌باشد. با توجه به استفاده از ریزنمونه جوان محور جنینی و عکس العمل مناسب آن به محیط کشت، تعداد گیاهچه‌های باززایی شده نسبت به روش‌های قبلی که از ریزنمونه‌های نسبتاً مسن هیپوکوتیل و کوتیلیدون استفاده شده بود، بیشتر می‌باشد (۴ و ۱۰). در این روش می‌توان پس از گذشت ۳۰ روز از انتقال ریزنمونه، بدون هیچ گونه واکنشی به گیاه کامل و ریشه دار دست یافت که با احتساب دوره سرمایی، طول کل دوره ۵۰ تا ۶۰ روز می‌باشد. در صورتی که بخواهیم از هیپوکوتیل به عنوان ریزنمونه استفاده نماییم، با احتساب دوره سرمایی ۹۰ روزه برای جوانه زنی بذر، طول کل دوره برابر ۲۱۰ روز خواهد بود که در طول این مدت چندین بار واکنش باید صورت گیرد. نتایج فوق اهمیت نوع ریزنمونه انتخابی را روشن می‌سازد. کشت جنین به عنوان یک سیستم ریازازدیادی در زیتون و زنبق نیز مورد استفاده قرار گرفته است (۵). از این روش می‌توان در مورد سایر گیاهان دارویی از جمله زیره سفید (*Cuminum setifolium*) استفاده کرد.

همان طور که قبلاً" نیز اشاره شد به دلیل وجود مشکلاتی از جمله خفتگی بذر و بیماری‌های قارچی، کشت و تولید زیره پارسی دچار محدودیت فراوانی می‌باشد که با استفاده از تکنیک

تعدادی از تیمارها، کالوس دهی، باززایی و ریشه دهی به طور توأم رخ داد که این امر به میزان قابل توجهی از طول زمان کشت بافت کاست (شکل ۴-۱). باید توجه داشت که نتایج فوق ۸ هفته پس از انتقال ریزنمونه‌ها به محیط‌های کشت به دست آمده است و می‌توان با قطعه قطعه کردن کالوس باززایی شده و واکشت آن و صرف زمان بیشتر، تعداد باززایی را به ازای هر ریزنمونه، به مقدار قابل توجهی افزایش داد.

بحث

تشکیل جنین سوماتیکی در مرحله القای کالوس در تعدادی از گیاهان خانواده چتریان از جمله رازیانه و هویج، معمول می‌باشد (۸). مکمل D,2,4-D و NAA به تنها یا همراه با Kin برای تداوم القاء کالوس مورد نیاز است و کاهش آنها باعث القای فرایند اندامزایی و تولید جنین‌های نایجا در زیره پارسی می‌گردد. وقوع باززایی در تعدادی از تیمارهای فاقد کینتین نشان داد که برای باززایی زیره پارسی مانند سایر گونه‌های خانواده چتریان (هویج، رازیانه و کرفس) وجود هورمون سیتوکینین الزامی نیست، در صورتی که در مورد زیره سبز وجود سیتوکینین برای باززایی ضروری است (۶). مطالعات قبلی نیز نشان دادند که انتقال کالوس به محیط کشت حاوی ۱ میلی‌گرم در لیتر D,2,4- (۱۱) و ۰/۵ میلی‌گرم در لیتر D,2,4- (۱) منجر به تولید جنین‌های سوماتیکی می‌گردد. به هر حال تأثیر ترکیب هورمون‌های اکسین و سیتوکینین بر اندام زایی (Organogenesis) و جنین زایی (Embryogenesis) سایر گیاهان نیز مشاهده شده است (۷). در بعضی از گونه‌های گیاهی دیگر جتنین‌های سوماتیکی القای شده

سپاسگزاری

بدین وسیله از مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خراسان که زمینه اجرای این تحقیق را فراهم نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

کشت بافت و انتقال ژن‌های مقاومت به بیماری و آفات، می‌توان تعداد زیادی از گیاهان عاری از پاتوژن را در مدت کوتاهی تولید نمود.

منابع مورد استفاده

۱. بنیان پور، ع. ۱۳۷۴. بررسی افزایش جنسی زیره سیاه و سبز و انگیزش پیونه در زیره سبز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
۲. پور اسماعیل، م. و م. شریفی. ۱۳۸۱. شکستن خواب بذور زیره سیاه توسط تنظیم کننده‌های رشد گیاهی ویژه و استریتیفیکاسیون. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۳. زیارت نی، س. م. ۱۳۷۹. جنین زایی زیره سیاه (*Bunium persicum*). سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، مرکز خراسان.
۴. شریفی، م. ۱۳۷۴. بررسی مقایسه‌ای انسان‌ها در بذر زیره‌های سیاه و سبز و قطعات جداکش. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
5. Canas, LA., J. Aliva, M. Vicente and A. Benbadis. 1992. Micropropagation of olive. Biotechnol. Agric. and Forestry 18: 493-505.
6. Ebrahimie, E., A. A. Habashi, B. Ghareyazie, M. Ghannadha and M. Mohammadi. 2003. A rapid and efficient method for regeneration of plantlets from embryo explants of cumin . Plant Cell, Tissue and Organ Culture 75: 19-25.
7. Guohua, M. 1998. Effects of cytokinins and auxins on cassava shoot organogenesis and somatic embryogenesis from somatic embryo explant. Plant Cell, Tissue and Organ Culture 54: 1-7.
8. Hunault, G., P. Desmarest and JD. Manoir. 1989. *Foeniculum vulgare* Miller: cell culture, regeneration and the production of anethole. PP. 185-212. In: Bajaj YPS (Ed.), Biotechnology in Agriculture and Forestry 7: Medicinal and Aromatic Plants II. Springer-Verlag, Berlin, Germany.
9. Kumar, SA., OL. Gamborg and MW. Nabors. 1988. Plant regeneration from long-term cell suspension cultures of tepary bean (*Phaseolus acutifolius*). Plant Cell Rep. 7: 322–325.
10. Tawfik, A. and A. Noga. 2002. Cumin regeneration from seedling derived embryogenic callus in response to amended Kinetin. Plant Cell, Tissue and Organ Culture 69: 35-40.
11. Wakhlu, A. K., S. Nagari and K. S. Barna. 1990. Somatic embryogenesis and plant regeneration from callus cultures of *Bunium persicum* Bioss. Plant Cell Rep. 9: 137-138.